



سومین همایش ملی  
بانوکمپوزیتها  
بزرگداشت حضرت خدیجه

۳۰ دی ماه ۱۴۰۰ ، استان یزد



ISC  
Islamic World Science Citation Center

CIVILICA

SID

## تأملی بر زندگانی و نقش حضرت خدیجه (س) در گسترش اسلام

خدیجه پلهم عباسی<sup>۱</sup>

## چکیده

آنچه از شرح حال زندگانی حضرت خدیجه (س) از منابع مهم تاریخی و روایی به دست می‌آید، نشان از شخصیت والای ایشان در عصر جاهلیت و در صدر اسلام دارد. آن حضرت با نگاهی فراتر از عصر و زمان خود، در حالی زندگی مشترک خود را با پیامبر اسلام (ص) آغاز کرد که جامعه آن روز سرزمین عربستان، از فرهنگ و تمدن دور بوده و زن در جامعه جایگاهی نداشته است. رسول خدا (ص) در ابتدای رسالت، در شرایط سختی به سر می‌برد به طوری که یارای اظهار نبوت خویش را نداشت. حضرت خدیجه (س) به عنوان اولین حامی و مونس در تمامی لحظات و موقعیت‌ها از همسر خود پشتیبانی کردند به طوری که تمامی اموال و اعتبار اجتماعی خود را در راه مصالح اسلام صرف کردند. بی‌تردید زنان مسلمان با الگوگیری از شخصیت ارجمند و نقش‌های مختلف ایشان در عرصه‌های ایمانی، همسرداری، تربیت فرزند، مدیریت در امور، فعالیت اقتصادی و اجتماعی، می‌توانند در جهت رشد و ارتقاء خانواد و خود، گامی اساسی بردارند. با توجه به اهمیت و ضرورت شناخت جایگاه و موقعیت این بانوی مخلص که در تکوین بنای اسلام و پیشرفت آن گام برداشتند، در این مقاله سعی شده تا جایگاه ممتاز و نقش مؤثر و ویژه‌ای که آن حضرت در دوران حیات خود ایفا کردند، بررسی شود.

**واژگان کلیدی:** زندگی، نقش، اقتصاد، همسری، ایمان، تربیت فرزند، الگو.

<sup>۱</sup>. استاد حوزه فاطمه الزهرا (س)، شیروود - تنکابن. abbasikh<sup>۵۹</sup>@gmail.com

## مقدمه

حضرت خدیجه (س) بانویی ارزشمند و با فضیلت در قبیله قریش با سابقه درخشان خانوادگی به دنیا آمد و پرورش و تربیت یافت. وی دارای سجایای اخلاقی فراوانی چون هوش و زکات، درایت، دور اندیشی، عفت و پاکدامنی و برخوردار از موقعیت اجتماعی ویژه‌ای نسبت به دیگر هم نوعان خود بود. بنا بر شرایط خاص فرهنگ جاهلی از ایشان با القابی مثل، «طاهره» و «همدم مریم» یاد می‌شد.

حضرت خدیجه (س) به عنوان اولین بانو در صدر اسلام، بلکه در جهان اسلام است که با تمام وجود، از آرمان و رسالت الهی حمایت کرد. آن حضرت، در مسیر تحقق اهداف دین خدا، از پیامبر (ص) تمامی دارائی خود اعم از عرض و آبرو، جان و اعتبار خود دریغ نکرد. ارزش ایثار و از خود گذشتگی ایشان به اندازه‌ای است که، بقا و تداوم اسلام مرهون زحمات ایشان است.

شکل‌گیری و گسترش اسلام با حمایت‌های مادی و معنوی ایشان انجام گرفته است، آن حضرت بانویی عاقله و با درایت و برخوردار از کمالات انسانی بودند و با دارا بودن موقیت مادی و اجتماعی و بهره‌مندی از تمامی امکانات آن روز، پیشنهاد ازدواج محمد (ص) را پذیرفته و تمام هستی خود را وقف مکتب و اهداف والای همسرشان کردند. بر این اساس، ایشان از جایگاه رفیعی در نزد خداوند و اهل آسمان برخوردارند به طوری که به عنوان یکی از چهار بانوی نمونه کل اعصار و بهشت به شمار می‌آیند. پیامبر عظیم‌الشان اسلام در طول حیات پر برکت خود همواره از خدمات و زحمات آن بانوی مخدیره سخن به میان آورده و نام او را با احترام و به نیکی یاد می‌کردند.

بنا بر این، در این مقاله سعی شده تا جایگاه و منزلت رفیع خدیجه (س) در ارتباط با پیامبر (ص) و نقش‌هایی را که در طول حیات خود در زندگی مشترک خویش، در جهت رشد تعالیم الهی ایفا نمودند را با استناد از احادیث و منابع تاریخی به تصویر کشیده، خدمات و نقش ایشان در عرصه‌های مختلفی چون: ایمان، همسراری، مدیریت، کمک اقتصادی، تربیت فرزند و اسوه بودن؛ جهت معرفی و پیروی از سیره عملی ایشان به زنان مسلمان معرفی گردند.

## خاندان حضرت خدیجه (س)

حضرت خدیجه (س) در جزیره العرب، در سرزمین مکه و در خانه‌ای با اصالت به نام قریش به دنیا آمد. پدر ایشان خویلد و مادرش فاطمه بنت زائده» بود، که پانزده سال قبل از ولادت پیامبر (ص) چشم به جهان

گشود. روز ولادت ایشان به درستی روش نیست ولی در مورد وفاتش بنا بر نقل معروف، او در سال دهم بعثت در روز دهم ماه رمضان سه روز بعد از وفات ابوطالب عموی پیامبر(ص) در ۶۵ سالگی رحلت کرده و پیامبرایشان را در قبرستان «حجون»، در سرزمین مکه به خاک سپرد. (اشتهاردی، حضرت خدیجه اسطوره ایثار و مقاومت، ص ۲۰)

سلسله نسب حضرت خدیجه(س) از ناحیه پدر اینگونه است «خدیجه دختر خوبلد بن اسد بن عبدالعزی بن قصی بن کلاب» قصی بن کلاب جد چهارم پیامبر اسلام(ص) است، به این ترتیب «محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف بن قصی بن کلاب» بوده است. بنابراین حضرت خدیجه(س) با چند واسطه دختر عموی پیامبر(ص) بود و ریشه خاندانش از خاندان قریش در جد چهارم پیامبر اسلام با هم متحد می شوند، از این رو گاهی همدیگر را پسر عمو و دختر عمو می خوانند. (مامقانی، تنقیح المقال فی علم الرجال، ج ۳، ص ۷۷)

همچنین سلسله نسب ایشان از ناحیه مادر اینگونه بود: «خدیجه دختر فاطمه بنت زائده بن اصم بن رواحه بن حجر بن عبد معیص بن عامر بن لوی بن غالب»، لوی بن غالب جد هشتم پیامبر(ص) است. به این ترتیب «محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف بن قصی بن کلاب بن مره بن کعب بن لوی بن غالب» (ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۰۱) بنابر این حضرت خدیجه(س) از طرف مادر، در جد هشتم پیامبر(ص) به همدیگر متصل و متحدند و در نتیجه سلسله نسب ایشان به حضرت اسماعیل و ابراهیم علیهم السلام جد بیست و هشتم و بیست و نهم برمی گردد.

### القاب حضرت خدیجه(س) قبل و بعد از اسلام

از نکات جالب توجه در باره شخصیت ممتاز حضرت خدیجه(س) توصیف ویژه ای ایشان عصر جاهلیت و بعد از ظهور اسلام است:

۱- حضرت خدیجه(س) قبل از ولادت، در کتاب آسمانی انجیل که بر حضرت عیسی(ع) نازل شده به عنوان «با نوی مبارکه و همدم مریم سلام الله علیها» در بهشت از ایشان یاد شده است، در آن جایی که در توصیف پیامبر اسلام(ص) خطاب به حضرت عیسی(ع) چنین آمده «نسله من مبارکه، و هی ضره امک فی الجنة؛ نسل او از مبارکه است که همشوی و همدم مادرت مریم(س) در بهشت است» (محدث قمی، کحل البصر، ص ۷۰)

۲) از آن جایی که در عصر جاهلیت وجود زنان پاکدامن، به دلیل فضای آوده و انواع انحرافات جاهلی بسیار کم بود، لذا حضرت خدیجه (س) به دلیل قداست و پاکی و جودی، به عنوان «طا هره» خوانده می شد. (مامقانی، تنقیح المقال فی علم الرجال، ج ۳، ص ۷۷)

۳) به مناسبت احترام خاصو ویژه‌ای که نسبت به شخصیت حضرت از سوی مردم عصرشان وجود داشت، ایشان با عنوان «سید نسوان» معروف بود. (محلّاتی، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۰۷)

۴) وجود حضرت خدیجه آن چنان ارجمند بود که در میان زنان هم عصر خود در دوران جاهلیت شخصی کم نظیر محسوب می شد به طوری که بعد از ازدواج پیامبر (ص) از طرف ایشان ملقب به «کبری» شدند. (دهخدا، لغت نامه، ج ۲۰، ص ۳۰۰)

۵) خدیجه با ثروتی که داشت، برخلاف اشراف مکه، تا جایی که می توانست به بینوایان و یتیمان کمک می داد و خانواده‌های بی سرپرست را سرپرستی می کرد؛ تا آن جا که او را «ام الصعالیک» و «ام الایتام» یعنی مادر بینوایان و یتیمان می خواندند. (محلّاتی، زندگانی پیامبر اسلام، ص ۸۷)

۶- همچنین در دعای ندبه که صادر شده از ناحیه مقدسه است از ایشان، به عنوان «خدیجه غرا» یاد شده که اشاره به مقام شامخ و ارجمند او دارد.

در ذکر مقام والای ایشان همین بس که بنا بر برخی از روایات حضرت ابوطالب (ع) در خطبه عقد ازدواج ایشان در توصیف شخصیت گفته: «ان ابن احینا خاطب کریمتکم الموصوفه بالسخاء و العفه، و هی فتاتکم المعروفه المذکوره فضلها الشامخ خطبها؛ او بانوی بلند مقام و معروف در میان شماست، فضل و ارجش زبان زد مردم است، شانش ارجمند می باشد» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۶۹)

### ازدواج حضرت خدیجه (س)

بعد از سفر موفقیت آمیز تجاری که محمد امین از شام داشته و سود و برکت فراوانی که در اثر درایت و تدبیر ایشان نصیب کاروان تجاری حضرت خدیجه (س) شد. علاقه و اشتیاق آن بانوی مکرمه نسبت به شخصیت حضرت رسول اکرم (ص) از یک طرف و وجود ویژگی ها، توانایی ها و فضایل بارز در آن حضرت زمینه‌ای برای پیوند زناشویی بین ایشان شد.

درباره سن رسول خدا (ص) در هنگام ازدواج عموماً گفته اند: آن حضرت در آن وقت بیست و پنج سال از عمر شریفشان می گذشت. « . . . زوج بها و هو ابن خمس و عشرين، قبل ان یبعثه الله نبیا بخمس عشره سنه؛ پیامبر



با حضرت خدیجه ازدواج کرد در حالی که بیست و پنج سال داشت و هنوز پانزده سال مانده بود تا به پیامبری برسد» (ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۲، ص ۲۹۵) ولی در مورد سن حضرت خدیجه اختلافاتی بین مورخان و سیره نویسان است، به طوری که سن ازدواج ایشان را به بیست و یک، بیست و سه، بیست و پنج، بیست و هشت، سی سال و چهل سال بیان کرده اند که از میان آنها قول بیست و پنج سال مشهور تر است؛ همچنین برخی مدعی شده اند که ایشان قبل از پیوند با آن حضرت، دو مرتبه ازدواج کرده اند. روایات متعددی در این موارد وارد شده است؛ از جمله: بیهقی می گوید: «ثم بلغت خدیجه خمساً و ستین سنه و یقال خمسین سنه و هواصح؛ می گویند که حضرت خدیجه (س) در سن شصت و پنج یت پنجاه سالگی وفات یافت، در حالی که سن پنجاه سالگی صحیح تر است.» (، ابو نعیم، دلائل النبوه، ج ۲، ص ۷۲) بنابر این اگر ازدواج حضرت خدیجه (س) را پانزده سال قبل از بعثت بدانیم؛ در هنگام ازدواج ایشان بیست و پنج سال داشته و سال وفاتشان هم دهم بعثت است.

در مقابل قول دیگری است که سن حضرت خدیجه را در هنگام ازدواج با پیامبر (ص) بیست و هشت سال دانسته است. بلاذری در این مورد می نویسد: «پیامبر به هنگام ازدواج با حضرت خدیجه جوانی بیست و سه ساله و حضرت خدیجه، دختری بیست و هشت ساله بوده اند.» (بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۹۸) کلبی، یکی از شیعیان امیر مومنان علی (ع) به نقل از ابن عباس می گوید: «ان النبی تزوجها بنت ثمان وعشرین سنه؛ پیامبر با حضرت خدیجه ازدواج کرد و او دختری بیست و هشت ساله بود.» (ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۱)

سید جعفر شهیدی، در این باره می نویسد: چنان که بین مورخان شهرت یافته و سنت نیز آن را تایید می کند، حضرت خدیجه (س) به هنگام ازدواج با محمد (ص) چهل سال داشت، ولی با توجه به تعداد فرزندان که از این ازدواج نصیب او گشت، می توان گفت: تاریخ نویسان رقم چهل را از آن جهت که عدد کاملی است، انتخاب کرده اند. (شهیدی، زندگانی فاطمه زهرا، ص ۲۳) آنچه مسلم است، این است که سن حضرت خدیجه (س) در هنگام ازدواج با پیامبر کمتر از سی سال بوده و مورخانی که بیش تر از این را مطرح نمودند؛ دلیلی متقن بر قول خود ارائه نکرده اند. از سوی دیگر، بنا بر بررسی های ناقلان در تاریخ، می بینیم عده ای در صدد وجود همسرانی قبل از ازدواج ایشان با رسول گرامی اسلام اند.

علامه مجلسی در این باره می گوید: «آنچه این نکته را مورد تایید و تاکید قرار می دهد، این است که حضرت خدیجه (س) به هنگام ازدواج با پیامبر رامی اسلام صلی الله علی و آله و سلم دوشیزه بوده و رقیه و زینب، دختران او نبودند، بلکه دختران خواهرش، هاله بودند و تحت سرپرستی و مدیریت و مورد مهر و مراقبت او قرار

گرفتند.» (مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۱۹۱) شیخ طوسی در تلخیص الشافی پیرامون همین دیدگاه را آورده اند که: «حضرت خدیجه (س) به هنگام ازدواج با پیامبر (ص) دوشیزه بود.» (ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۳۸) ن ویسند تاریخ یعقوبی می گوید: «حضرت خدیجه خواهری به نام هاله داشت، که همسرش ازدنیارفت و دوفرزندش را بی سرپرست نهاد، آن حضرت سرپرستی خواهر و خواهر زاده های خود را بر عهده گرفت و پس از امضای پیمان زندگی مشترک با پیامبر، خواهر زاده ها همچنان مورد مهر و محبت و در قلمرو سرپرستی و مراقبت مادرانه و آموزگارانه اش بودند؛ به همین جهت برخی مردم، آنان رادختران خدیجه (س) و حضرت محمد (ص) می پنداشتند، نه هاله» (احمد بن یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۸) با توجه به آنچه نقل کردیم؛ شایعه ازدواج حضرت خدیجه (س) با دو نفر دیگر قبل از ازدواج با رسول مکرّم اسلام تحریفی عمدی تاریخ بیش نیست.

### خواستگاری و خطبه عقد خدیجه (س)

قول مشهور آن است که خواستگاری و خطبه عقد به وسیله ابوطالب عموی رسول خدا انجام گردید و پذیرش و قبول آن نیز از سوی عمرو بن اسد -عموی خدیجه- صورت گرفت. (محلّاتی، تاریخ تحلیلی اسلام، ص ۱۸۱) در پانزده روز یا دو ماه پس از سفر تجارّتی حضرت محمد (ص) به شام، مجلس عقد ازدواج ایشان در خانه حضرت خدیجه (س) بر گذار شد. در این مجلس عموهای پیامبر (ص)، چند تن از بستگان خدیجه (س) از جمله پسرعمویش ورقه بن نوفل وعده ای از بزرگان قریش حضور داشتند. (اشتهاردی، حضرت خدیجه اسطوره ایثار و مقاومت، ص ۸۷) از امام صادق (ع) چنین روایت شده، می فرمایند: «هنگامی که رسول خدا (ص) و سلم اراده ازدواج با خدیجه (س) نمود، ابوطالب عموی پیامبر با افراد خاندان خود همراه چند تن از قریش بر «ورقه بن نوفل» پسرعموی خدیجه وارد شدند. آن گاه حضرت ابوطالب (ع)، خطبه عقد را این چنین خواند: حمدو سپاس خداوند این خانه کعبه را سزاست که ما را از نسل ابراهیم (ع) و نژاد اسماعیل (ع) قرار داد، وما رادر حرم امن فرود آوردو مارا حاکمان بر مردم نمود، و برکاتش را در این شهری که هستیم، بر ما ارزانی فرمود. این محمد (ص) برادر زاده من است، که اگر مقامش با هر فردی از قریش سنجیده شود از او برتر آید، و با هر کدام از آنها مقایسه شود، از او بالاتر و فزونتر باشد، شخصی که در میان انسانها نظیر ندارد، گرچه او از نظر مالی تهی دست است، ولی مال و ثروت، عطای الهی است که به قدر نیاز به افراد داده می شود، و آن همچون هیات عبوری و سایه گذرا و عاریتی است. او مشتاق ازدواج با خدیجه (س) است، و خدیجه (س) نیز به این ازدواج علاقه منداست، اینکه نزد تو آمده ایم تا با رضایت و امر خدیجه (س) او را از شما خواستگاری کنیم، و مهریه او بر عهده من است هر چه خواستید از نقد و نسیه می پردازم، سوگند به پروردگار این کعبه محمد (ص)

دارای بهره‌ای بزرگ و دینی مشهور و اندیشه‌ای کامل است.» (کلینی، فروع کافی، ص ۱۹) درباره مقدار مهریه و نحوه پرداخت آن نیز اختلاف روایتی است، از کشف الغمه از ابن حماد و نیز از ابن عباس نقل شده که رسول خدا (ص) و سلم، خدیجه (س) را با مهریه دوازده اوقیه طلا به ازدواج خویش در آورد و مهریه زنان دیگر حضرت نیز همین مقدار بوده. (مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۱۰) همچنین در کلام دیگری نقل شده که: «مهریه خدیجه بیست شتر ماده و یا مبلغ دوازده و نیم یا دوازده اوقیه، معادل پانصد درهم تعیین شد که توسط حضرت ابوطالب (ع) پرداخت گردید. پس از آن ابوطالب شتری را قربانی نمود و مجلس ازدواج برپا شد.» (محلّاتی، ترجمه سیره النبویه، ج ۱، ص ۲۰۳)

### نقش حضرت خدیجه در پیشرفت اسلام

در طول بیست و چهار سال زندگی مشترک پیامبر اسلام (ص) با حضرت خدیجه (س)، همواره شاهد کمک‌های مالی، روحی، عاطفی و تایید، تصدیق و پشتیبانی آن بانوی فرهیخته والا مقام نسبت به شخص پیامبر (ص) هستیم، این در حالی است که در آن زمان هیچ کس به یاری رسول گرامی اسلام (ص) در برابر انواع آزارهای مشرکان بر نمی‌خواست. به این منظور در اینجا به گوشه‌هایی از نقش‌ها و خدمات ویژه حضرت خدیجه (س) که تاثیر عمیقی در پیشرفت امر رسالت و اسلام داشته می‌پردازیم.

**خدیجه به‌عنوان همسری وفادار:** فشارهای گوناگونی که از جانب کفار قریش برای مبارزه با اسلام و آزردن پیامبر و سایر مسلمانان صورت می‌گرفت از یک سو، و پیشرفت روز افزون اسلام و گرایش قشرهای مردم به آموزه‌ها و دستورات اسلام و مخالفت آن با آیین بت پرستی باعث شده بود که دشمنان از همه توان و نیروی خود برای جلوگیری از تبلیغ دین اسلام استفاده نمایند. در چنین شرایطی که حتی نزدیک‌ترین خویشاوندان حضرت هم ایشان را مورد شکنجه و آزار قرار می‌دادند؛ تنها حضرت خدیجه (س) به عنوان مونس و همدم پیامبر (ص)، با فداکاری، صبر و دل‌داری به حمایت از ایشان پرداخته، و نقش تعیین‌کننده‌ای در پیشرفت اهداف اسلام در طول زندگی مشترکی با پیامبر داشتند.

به طوری که پیامبر (ص) در آستانه بعثت، خوابی تکان‌دهنده دید و نزد خدیجه آمد و چنین فرمود: «در خواب دیدم، شکم از جای خود بیرون آورده شد، سپس شسته و پاکیزه گردید، و آن‌گاه بر جای خود نهاده شد. خدیجه (س) گفت: این بیانگر خیر و سعادت است به تو بشارت باد خداوند در مورد تو جز خیر انجام ندهد.» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۱۰) از اینجا معلوم می‌شود که؛ هر حادثه‌ای که باعث ناراحتی و غم پیامبر صلی الله علی و آله و سلم در خارج از منزل می‌شد، خداوند به وسیله حضرت خدیجه (س) گشایش در کار



ایشان ایجاد می‌کرد و به عنوان حامی، تسکین دهنده و آرام بخش قلب پیامبر (ص) و سلم ایفای نقش می‌کردند، و این موضوع بیا کننده مقام و جایگاه ایشان در نزد خدا و رسولش است.

**نقش حضرت خدیجه (س) در شکل‌گیری شخصیت علی (ع):** پیامبر اکرم (ص) سی ساله بود که علی (ع) متولد شد؛ یعنی ده سال قبل از بعثت و پنج سال از ازدواج محمد امین (ص) با خدیجه (س)، حضرت علی (ع) دوران کودکی را در خانه پدرش ابوطالب سپری نمود که ناگاه قریش دچار خشکسالی شد. حضرت محمد (ص) تصمیم گرفت که به عموی خود کمک کند زیرا ابوطالب مردی پر عائله بود و ایشان می‌خواست هزینه زندگی عموی خود را کاهش دهد، از این جهت با عموی دیگر خود، عباس؛ موضوع را مطرح کرد. (مولوی نیا، تاریخ چهارده معصوم، ص ۳۱) عباس این پیشنهاد را پذیرفت و با هم نزد ابوطالب آمدند و تصمیم خود را با او در میان گذاشتند، پس از گفتگو، پیامبر (ص) سرپرستی علی (ع) را بر عهده گرفت، عباس سرپرستی جعفر را بر عهده گرفت و حمزه نیز عهده دار سرپرستی طالب شد. (ابن هشام حمیری، السیره النبویه، ج ۱، ص ۳۶۳) و طبق روایت دیگری، حمزه عهده دار سرپرستی جعفر شد و عباس عهده دار سرپرستی طالب گردید.

در آن وقت حضرت علی (ع) شش سال داشت که تحت سرپرستی پیامبر (ص) درآمد و در این وقت تا آغاز اسلام، رسول گرامی اسلام و حضرت خدیجه (س) او را تحت نظر تربیتی خود قرار دادند. آورده اند که حضرت محمد (ص) این کودک را بسیار دوست داشت و همواره در خواب و بیداری، او را مورد مراقبت و نوازش قرار می‌داد. (ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۱۷۹) خدیجه (س) با همه ویژگی‌های محمد امین (ص) آشنا بود و می‌دانست که او هیچ کاری را بدون حکمت و مصلحت انجام نمی‌دهد و بدون شک، این کودک که محمد امین (ص) بی اندازه به او عشق می‌ورزد، در آینده شخصیتی برجسته و اثر گذار خواهد بود. بنابراین، خدیجه (س) نیز به علی (ع) محبت می‌کرد و در مراقبت از او، مادرش، فاطمه بت اسد را یاری می‌داد. گاه برای او لباس تهیه می‌کرد و گاهی از او مراقبت می‌کرد. او به کنیزان و غلامانش می‌گفت که علی (ع) را با خود حمل کنند و به تفریح ببرند و او را نوازش کنند. (مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۳۰۹) به این ترتیب، محبت و تربیت پیامبر اسلام و حضرت خدیجه (س) در دوران کودکی، به عنوان عاملی مهم در شکل‌گیری شخصیت والای حضرت علی (ع) تاثیر گذاشته و جایگاهی رفیع در نزد ایشان کسب کردند؛ به طوری که مردم به ایشان می‌گفتند: «هذا اخو محمد و احب الخلق الیه و قره عین خدیجه؛ این، برادر محمد و محبوبترین انسان‌ها نزد محمد و نور چشم خدیجه است.» (همان، ج ۳۵، ص ۴۳) بعدها نیز شاهدیم که ایشان به عنوان داماد خاندان رسالت و جانشین آخرین پیامبر انتخاب گردیدند.

خدیجه (س) به عنوان رکنی از ارکان اسلام: با بررسی دیدگاه همه تاریخ نویسان، نخستین بانویی که اسلام را پذیرفت حضرت خدیجه (س) بود. به طوری که در آغاز رسالت به عنوان یکی از ایمان آورندگان نخستین به رسالت نبوی معرفی می گردند؛ امیر مومنان علی (ع) می فرماید: «و لقد کان یجاور کل سنه بحراء، فاراه ولایراه غیری، ولم یجمع بیت واحد یومئذ فی الاسلام غیر رسول الله و خدیجه وانا ثالثهما، اری نورالوحي و الرساله و اشم ریح النبوه؛ پیامبر (ص) مدتی از سال، مجاور کوه حراء می شد، تنها من او را مشاهده می کردم و غیر از من کسی او را نمی دید، در آن روز غیر از خانه رسول خدا (ص) خانه ای که اسلام در آن راه یافته باشد، وجود نداشت. تنها خانه آن حضرت بود که او و خدیجه و من نفر سوم آن ها، اسلام را پذیرفته بودیم.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲)

با توجه به شرایط محیطی مکه و اطراف آن پیامبر به همراه حضرت علی (ع) و خدیجه (س) و بعضی دیگر، مواجهه بودند؛ اسلام خودشان را پنهان کردند، تا وقتی که آیات ۹۴ و ۹۵ سوره حجر در مورد آشکار کردن اسلام بر رسول مکرم اسلام (ص) نازل شد. به طوری که امام صادق (ع) در این باره فرمودند: «پیامبر (ص) پنج سال در مکه به طور پنهان می زیست، علی (ع) و خدیجه (س) با او بودند، و اسلام خود را پنهان می نمودند و به شدت تقیه می کردند.» (شیخ صدوق، کمال الدین، ص ۱۹۷) این فراز بیان کننده اوج ایمان و پارسایی حضرت خدیجه (س) است، به طوری که از همه شوون دنیوی دست کشیده و حاضر شد در چنین مدتی در شرایط بسیار سختی در خفا زندگی کند و انواع رنجها و مصائب را تحمل نماید.

نقش مدیریتی حضرت خدیجه (س): با مطالعه زندگی حضرت خدیجه در قبل و بعد از اسلام، توان و قدرت اداره امور مالی در امور تجاری در عصر جاهلیت مشهود است، وی با هوش و تدبیری که داشت از راه مدیریت صحیح و حساب شده، ثروت فراوانی به دست آورده بود به طوری که یکی از ثروتمندان کم نظیر جزیره العرب به شمار می آمد.

سیره نویسان درباره وی می گویند: خدیجه زنی ثروتمند و بازرگان بود و در جامعه تجاری مکه به تجارت و بازرگانی اشتغال داشت و با ثروت و مالش سرمایه گذاری و مضاربه می کرد و با دانش و خرد تجاری اش و نیز توانایی و برتری اش در اداره و مدیریت کاروان تجاری فردی موفق بود و بر ثروت خود می افزود.

درایت و توانمندی در اداره امور و قدرت بهره گیری از بردگان در حرکت کاروانها و تلاشهای تجارتي، سبب شد روز به روز بر ثروت ایشان افزود شود، به طوری که هشتاد هزار شتر، در کاروانهای متعدد، اموال

تجاری او را به مراکز اقتصادی جهان آن روز حمل و نقل می نمودند. (محمدی اشتهاردی، حضرت خدیجه اسطوره ایثار و مقاومت، ص ۳۵)

از سوی دیگر، به دست گرفتن اداره امور خانه بعد از ازدواج با پیامبر (ص)، کنترل اوضاع اهل خانه، تربیت فرزندان، مدیریت در رفتار و منش اجتماعی ای که متناسب با خانه رسالت و نبوت باشد؛ حمایت های فراوان از رسول خدا در سختی ها و مصائبی که در راه تبلیغ دین متحمل شدند، همگی نمونه ای از توان مدیریت آن بانوی مدبر دارد.

**نقش ثروت حضرت خدیجه در تقویت اسلام:** از جمله خدماتی که حضرت خدیجه (س) در رشد و تعالی اسلام داشتند بذل و بخشش اموالی بوده که از ابتدای رسالت و درخشش اسلام در اختیار پیامبر مکرم اسلام (ص) و سلم قرار گرفت. اهمیت این گذشت مالی به حدی است که بنا به نظر بسیاری از محققان، علل پیروزی و موفقیت اسلام در مدت زمان کم را مرهون ثروت حضرت خدیجه (س) می دانند. به طوری که رسول گرامی اسلام، خود در این زمینه می فرماید: «ما نفعنی مال قط مانفعنی مال خدیجه؛ هیچ ثروتی به اندازه ثروت خدیجه سلام الله علیها برای من سودمند نبود» (محدث نوری، المستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۳، ص ۲۱) همچنین خداوند در مقام بیان نعمت های خود به پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «و وجدک عائلا فاغنی؛ خداوند تو را فقیر یافت و بی نیاز نمود» (سوره ضحی، آیه ۸) مطابق روایات وارده، بواسطه ثروت حضرت خدیجه (س)، تو را بی نیاز کرد. (ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۲۱) حال این سوال به ذهن می رسد که پیامبر (ص) ثروت ایشان را در چه اموری به مصرف رسانده است؟ در پاسخ با توجه به روایات رسیده به امور زیر اشاره می کنیم:

۱- پیامبر (ص) با استفاده از اموال حضرت خدیجه (س) بدهکاران را از قید بدهکاری آزاد می کرد، و به تهیدستان کمک می نمود، به بینوایان و یتیمان رسیدگی می کرد، مسلمانانی که از مکه به مدینه هجرت می کردند و مشرکان اموال آن ها را مصادره می نمودند، پیامبر از اموار ایشان، به آن ها کمک می کرد تا خود را به مدینه برسانند.

۲- هنگامی که پیامبر با خدیجه (س) ازدواج کرد، حلیمه سعیدیه مادر رضاعی پیامبر (ص) و سلم نزد ایشان آمد و از قحطی و خشکسالی آن سال شکایت کرد، پیامبر این موضوع را همسرشان در میان گذاشتند و ایشان نیز چهل گوسفند و شتر به حلیمه سعیدیه بخشید، او با شادمانی به سوی قبیله خود بازگشت و سپس بعد از طلوع اسلام، حلیمه و شوهرش به مکه آمده و اسلام آوردند. (مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۴۰۱)

۳- در آستانه ازدواج پیامبر (ص) با خدیجه (س) وقتی ورقه بن نوفل سخن از فقر محمد (ص) و سلام به میان آورد، خدیجه گفت: «اذا كان ماله قليلا فمال كثير؛ اگر مال او اندک است، مال من بسیار است.» و سپس شعری خواند که مصرع دومش این گونه است «فما المال الا مثل قلم الاظفار؛ ثروت در برابر او جز مثل گرفتن ناخن‌ها نیست.» این موضوع نشان دهنده علاقه حضرت خدیجه به رسول مکرم اسلام دارد به طوری که تمام ثروتش را در اختیار ایشان قرار می‌دهند (همان، ج ۱۶، ص ۶۱)

۴- در ماجرای تحریم و محاصره مسلمانان در شعب ابی طالب که مدت سه یا چهار سال به طول انجامید بخش اعظم ثروت حضرت خدیجه (س) به مصرف نیازهای مسلمانان رسید. به طوری که در روایت آمده است: «و انفق ابوطالب و خدیجه جميع مالها؛ ابوطالب (ع) و خدیجه (س) همه اموال خود را برای حفظ اسلام و محاصره شدگان، انفاق کردند.» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۱۶) به طوری که دیگر از اموال آن حضرت چیزی باقی نماند. و خودشان فرمودند «چیزی جز دو پوست باقی نمانده که هنگام استراحت یکی رازیر انداز و دیگری را رو انداز خود قرار می‌دهیم.» (اشتهاردی، ص ۱۷۴) از این اهمیت این مساله آنقدر زیاد است که پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «ما قام و لا استقام الا بسيف علی و مال الخدیجه؛ دین اسلام به دو چیز برپا شد؛ مگر به شمشیر علی (ع) و ثروت خدیجه (س)» (حائری مازندرانی، ج ۲، ص ۲۳۳) این چنین ایثار بود که انفاق مال حضرت خدیجه (س) باعث پیشبرد اهداف اسلام گردید و شمشیر حضرت علی (ع) سبب قوام، قدرت و شوکت اسلام شد. همان شمشیری که بنا به فرموده پیامبر اعظم (ص) یک ضربه آن در روز خندق، بهتر از عبادت جن و انس است.» (شوشتری هندی، احقاق الحق و ازهاق الباطل، ج ۶، ص ۵۴)

۵- با بررسی برخی روایات می‌توان گفت که پیامبر (ص) ثروت خدیجه (س) را در موارد هشت گانه‌ای که در مصرف زکات در آیه ۶۰ سوره توبه آمده به مصرف رسانید که شامل: «فقیران، تهی‌دستان، کارکنان جمع‌آوری زکات، جلب محبت مخالفان، آزادی بردگان، ادای دین بدهکاران، تقویت آیین خدا و راه ماندگان» در بین این هشت نوع مصرف، یکی از آن‌ها جلب محبت و جذب دل‌های کافران است که در قرآن از آن به «ومولفه قلوبهم» تعبیر می‌شود، پیامبر چه بسا برای گرایش مشرکان و کافران به اسلام و تقویت پشتوانه‌های اسلام، اموال خدیجه (س) را به افراد مختلف از آن‌ها می‌داد. (اشتهاردی، حضرت خدیجه اسطوره ایثار و مقاومت، ص ۱۷۶)

**نقش اجتماعی حضرت خدیجه (س):** یکی از زوایای وجودی حضرت خدیجه (س) که کمتر به آن اشاره شد نقش اجتماعی ایشان در عصر جاهلیت و بعد از بعثت است. از جمله خصوصیات ویژه ایشان برخورداری از هوش، عقل و تدبیر و مدیریت است. در زمان جاهلیت که جهل و بی‌سوادی همه جا را در بر گرفته بود و زنان

از نظر رتبه اجتماعی در سطح پایینی به سر می‌بردند؛ ایشان دارای کمال و ادب، ایمان و درایت در سطح بالایی بودند. از جمله فعالیت‌های دیگر اجتماعی ایشان که بر اثر تدبیر، سعی و کوشش ایشان در عصر جاهلیت انجام گرفته، تجارت اقتصادی بود که در آن زمان با مراکز مهم اقتصادی آن روز یعنی یمن، مصر، شام، طائف، شامات و... داشتند. تاریخ نویسان مظاهر ثروت خدیجه (س) را در سه مورد ذیل خلاصه کرده اند:

۱- هشتاد هزار شتر، اموال تجارتهی او را به اطراف واکناف جزیره العرب و خارج از مصر، حبشه، روم و شام... حمل و نقل می‌کردند.

۲- بار گاهی از حریر سبز با طناب‌های ابریشم بر بام خانه با شکوهش بر افراشته بود و در آن جا از رفت و آمد مردم از زن و مرد، پذیرایی می‌شد و او به زیر دستان کمک‌های شایانی می‌نمود.

۳- چهار صد غلام و کنیز، امور زندگی او را رسیدگی می‌کردند و دستگاه عریض و طویل زندگی خدیجه (س) را اداره می‌نمودند.

ثروت ثروتمندان آن عصر مانند: ابوجهل، عقبه بن ابی معیط، صلت بن ابی یهاب، ابوسفیان و... در مقایسه با ثروت خدیجه (س) بسیار ناچیز بود. (ملبویی، الوقایع و الحوادث، ج ۱، ص ۱۳۰)

از جمله فعالیت‌های اجتماعی ایشان بعد از بعثت، ایثار و فداکاری اقتصادی و یاری و پشتیبانی از رسول خدا (ص) در طول حیات و ایام محاصره اقتصادی بنی هاشم در شعب ابی طالب را می‌توان اشاره کرد. به عنوان مثال؛ در یکی از ایام حج، پیامبر (ص) به کوه صفا رفت و با صدای بلند ندا داد که ای مردم! من فرستاده پروردگارم. آن گاه به کوه مروه رفت و سه بار این سخن خود را تکرار کرد. در این هنگام، عرب‌های متعصب هر یک سنگی برداشته، به دنبال پیامبر (ص) به راه افتادند که در این بین ابوجهل سنگی پرتاب کرد که به پیشانی آن حضرت اصابت کرد و خون از پیشانی اش جاری شد. پیامبر (ص) به کوه ابو قیس رفت و مشرکان نیز در پی او روانه شدند. در این حین حضرت علی (ع) خود را به خدیجه رساند و او را باخبر کرد.

با شنیدن این خبر، اشک بر گونه‌های حضرت خدیجه (س) جاری شد، او ظرفی از غذا برداشت و برای یافتن پیامبر (ص) همراه علی (ع) راهی کوه‌ها و دشت‌ها شد. «وکانت تنادی این یا رسول الله؛ خدیجه صدا می‌زد کجا هستی ای رسول خدا!» (قرطبی، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۱۱) در این هنگام جبرئیل بر پیامبر (ص) نازل شد، عرض کرد: این خدیجه است که با چشم گریان دنبال تو می‌گردد؟ و همراه او ظرفی از طعام و آب است! او را صدا بزن و بگو: خداوند به تو سلام می‌رساند و او را به خانه بهشتی که از نور، زینت شده بشارت بده.



خدیجه (س) و علی (ع) به حضور پیامبر (ص) رسیدند و با آن حضرت به خانه آمدند. پس از آن مشرکین به خانه خدیجه، حمله ور شده و خانه را سنگ باران کردند. خدیجه بیرون آمد و لحظه ای خود را سپر سنگ دشمن قرار داد و در آخر فرمود: آیا از سنگ باران کردن خانه زنی که نجیب ترین قوم شماست، شرم ندارید؟ آنان با شنیدن سخنان خدیجه (س) پراکنده شدند و او برای مداوای پیامبر (ص) و سلم به خانه بازگشت، پیامبر (ص) سلام خدا را به وی رساند. خدیجه گفت: «ان الله هو السلام و علی جبرئیل السلام و علیک یا رسول الله السلام و برکاته؛ خداوند، سلام است و سلام از اوست. سلام بر جبرئیل و همچنین سلام، رحمت و برکات خداوند بر تو باد ای فرستاده خدا» (ابن اثیر، اسد الغابه، ج ۵، ص ۴۳۸) این بود یک نمونه از صدها خدمتی که حضرت خدیجه (س) در حمایت اجتماعی از پیامبر (ص) انجام داد، که شایسته دریافت سلام خداوند به جهت این خدمت خالصانه شد. (مظفری ورسی، رهیافتی بر زندگانی پیامبر از ولادت تا بعثت، ص ۲۱۳)

**نقش حضرت خدیجه در تربیت فرزندان:** در بیان تعداد فرزندان خدیجه (س) و پیامبر اکرم (ص) یعنی قاسم، زینب، رقیه، ام کلثوم، عبدالله و فاطمه (س) اختلاف فراوان است. معروف است که قاسم و عبدالله که هر دودر دوران کودکی، قبل از بعثت یا قاسم قبلی از بعثت و عبدالله بعد از بعثت از دنیا رفتند و عبدالله را با لقب طیب و طاهر می خوانند. (ابن هشام، الیره النبویه، ج ۱، ص ۲۰۲) از امام باقر (ع) نقل شده که فرمود: «پیامبر (ص) از خدیجه دارای فرزندی شد که عبارتند از: قاسم، طاهر، ام کلثوم، رقیه، زینب و فاطمه (س)، حضرت علی (ع) با فاطمه (س) ازدواج کرد، ابوالعاص بن ربیع که از بنی امیه بود، با زینب ازدواج کرد، عثمان با ام کلثوم ازدواج نمود، هنوز با او آمیزش نکرده بود که از دنیا رفت، پیامبر به جای او رقیه را همسر عثمان نمود.» (حمیری قمی، قرب الاسناد، ص ۶) آنچه مسلم هست حضرت خدیجه (س) از میان همسران پیامبر دارای بیشترین فرزند از ایشان بوده است و در این بین وجود حضرت فاطمه زهرا (س) و مقام والای ایشان به عنوان یکی از برترین زن چهارگانه عالم که از سوی خداوند متعال معرفی گردید؛ نشان از عظمت و پاکی و عفت حضرت خدیجه (س) در بدنیا آوردن، پرورش و تربیت ایشان و شکل گیری شخصیت بی نظیر آن حضرت به عنوان مادر امامت دارد.

درباره چگونگی ولادت حضرت زهرا (س) بتول آمده است: «وقتی که حضرت خدیجه (س) دوران بارداری آن حضرت را سپری می کرد تا آن که زمان ولادت ایشان نزدیک شد. از این رو برای زنان قریش پیام داد که بیاید و مرادر وضع حمل یاری کنید؛ چنان که بانوان، زنان را در چنین هنگامی به کمک می خوانند. ولی زنان قریش و دیگران برایش پیام دادند که تو حرف ما را نشنیدی و سخن مان را رد کردی و با محمد، یتیم ابوطالب، که فقیر بود ازدواج کردی. از این روی، نزد تو نمی آیم و به هیچ روی تو را یاری نخواهیم کرد.

خدیجه از این پیام ناراحت و غمگین شد. اما همان هنگام، ناگهان چهار زن بزرگوار که زیبایی و درخشندگی چهره‌ایشان وصف ناپذیر بود، بر خدیجه (س) وارد شدند. او از دیدن آنان هراسناک شد، ولی یکی از ایشان گفت: ای خدیجه! محزون مباش! ما از سوی خدا نزد تو آمده ایم. ما خواهران توایم. من ساره هستم، و این آسیه دختر مزاحم است که در بهشت همنشین توست. آن دیگری مریم دختر عمران است و آن یکی، کلثوم خواهر موسی است. خداوند ما را نزد تو فرستاده تا هنگام وضع حمل یاری ات کنیم.

در این هنگام، یکی از ایشان در جانب راست خدیجه (س) نشست و دیگری در سمت چپ، سومی روبه رو و چهارمی پشت سر قرار گرفت. بدین ترتیب فاطمه زهرا (س)، هنگام طلوع خورشید جهان افروز، پاک و پاکیزه به دنیا آمد و وجودش پرتوی افکند که همه خانه‌های مکه را نور باران ساخت. آن گاه شماری از حوریان بهشتی که هریک طشت و ظرفی لبریز از آب کوثر با خود داشتند، وارد خانه پیامبر شدند و آن دخت بهشتی را که پاک و پاکیزه بود ربا آب کوثر شست و شودادند. سپس دو پوشش سپید و عطرآگین براو پوشاندند و از وی خواستند تا سخن بگوید: آن نوزاد به خواست خدا لب به سخن گشود و گفت: گواهی می‌دهم که خدایی جز خدای یگانه نیست و پدرم، رسول خدا و آقای پیامبران است و شوهرم سرور اوصیاست و فرزندانم دو آقای سبط اند.

زنان برگزیده بهشت، نوزاد را به مادرش دادند و گفتند: فرزند خود را که پاک و پاکیزه و پر میمنت و مبارک است و نسلی پر برکت دارد بگیر. خدیجه (س) با شادی فاطمه علها سلام را به آغوش گرفت و پستان در دهان او گذاشت و به شیر دادنش سرگرم شد. (مجلسی، بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۴۷)

ابن عساکر در کتابش می‌نویسد: «بانوی بزرگ حجاز، خدیجه کبری (س) این گونه بود که هرگاه خدا به او فرزندی می‌داد، او را به دایه‌ای شایسته می‌سپرد تا شیرش دهد، اما هنگامی که دخت ارجمندش، فاطمه زهرا (س) ولادت یافت، وقتی پستان در دهانش گذاشت، شیر جاری شد و بنابر این خودش فاطمه (س) را شیر داد و نگهداری او را بر عهده گرفت.» (ابن عساکر، تاریخ مدینه الدمشق، ج ۲، ص ۱۵۲) خلاصه حضرت فاطمه (س) مفتخر به وجود مادر بسیار بزرگوار و گرانقدری است، که در عالم، نظیری جز حضرت فاطمه (س) ندارد و آن چنان مقام و عظمت دارد که خداوند به واسطه وجودشان بر ملائک مباحات کرده و در نزد محبوبترین پیامبرش جایگاهی رفیع داشته به طوری که بارها در طول حیات خویش در موقعیت‌های مختلف از ایشان یاد می‌کردند و در فراقش اشک می‌ریختند.

**نقش الگویی حضرت خدیجه (س) برای زنان امت:** یکی از مهمترین تعالیم آموزه‌های دینی که نقش تعیین کننده در شکل‌گیری شخصیت انسان دارد؛ لزوم الگوگیری از سیره عملی بزرگان دین است، اشاره مستقیم قران

در سوره مبارکه احزاب در «اسوه» بودن پیامبر اسلام (ص) و سلم به عنوان کامل ترین انسان از این باب است، همچنین روایات فراوانی که از اهلیت رسیده نشان از اهمیت این مولفه برای مسلمانان دارد. در این بین زوایای وجودی حضرت خدیجه (س) به عنوان یکی از چهار زن بهشتی منتخب از سوی پروردگار، می تواند نمونه بارز یک زن موفق در بعد فردی و اجتماعی باشد واسوه ای عملی جهت الگوگیری زنان مسلمان در جهان اسلام معرفی گردند. بنابر این با تکیه بر روایات صادره در عظمت این بانوی ارجمند و آگاهی از ویژگی های اخلاقی، اعتقادی و غیره. . . می توانیم در مسیر تکامل خود به عنوان برترین الگو از ایشان، پیروی کنیم. در اینجا به نمونه ای از احادیثی که در شان ایشان بیان شده اشاره می گردد: «عن رسول الله (ص) و سلم: یا خدیجه! ان الله عزوجل لیباهی بک کرام ملائکه کل یوم مرارا؛ رسول خدا به حضرت خدیجه فرمودند: ای خدیجه! خداوند هرروز چندین بار درمورد تو به ملائکه مباحثات می کند.» (مجلسی، ج ۴۳، ص ۱۹) ابن عباس می گوید: روزی رسول خدا (ص) و سلم چهارخط کشید، آنگاه پرسید: آیا می دانید این خطها چیست؟ گفتیم: خدا و رسولش داناتر است. فرمود: «خیر النساء الجنه مریم بنت عمران، و خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد، و آسیه بنت مزاحم امراه فرعون؛ بهترین زنان بهشت، مریم دختر عمران، خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمد و آسیه دختر مزاحم، همسر فرعون است.» (همان، ج ۱۳، ص ۱۶۲)

عن علی (ع): «ذکر النبی خدیجه یومه و هو عند نسائه فبکی فقاتل عائشه: مایکیک علی عجزوز حمراء من عجائز بنی اسد؟ فقال (ص): صدقتنی اذ کذبتم و آمنت بی اذ کفرتم، و ولدت لی اذ عقمتم؛ حضرت علی (ع) نقل می کنند: روزی پیامبر در کنار همسرانش به یاد خدیجه گریه کرد. عایشه گفت: چه خبر است که برای پیر زنی از قبیله بنی اسد، این همه گریه می کنی؟! رسول خدا در جواب گفت: شما آن وقت که مرا تکذیب می کردید و کافر بودید او ایمان آورده و تصدیقم کرد و هیچ یک از شما فرزندی نیاورد، او فرزندی آورد.» (بحرانی، عوالم العلوم، ج ۱۱، ص ۴۱) با این توجه به سخنان صادر شده برتری شخصیت، وفاداری، ایمان و همسرداری حضرت خدیجه (س) را بر همگان آشکار می شود.

## نتیجه گیری

شخصیت وارسته حضرت خدیجه (س) به گونه‌ای بوده که در عصر جاهلیت، با آن که زنان از ارزش و جایگاه مناسبی برخوردار نبودند، بواسطه شرافت و عظمت شأن خود توجه همگان را به سوی خود جلب کرده است. به گونه‌ای که سیره نویسان و تاریخ نگاران به بررسی زندگانی و نقش سازنده آن حضرت در گسترش و تکوین بنای اسلام پرداخته اند.

وی صاحب کمالات بالای انسانی، فضائل ممتاز شخصیتی و مقامات معنوی است؛ به طوری که از منابع روایی استفاده می‌شود؛ ایشان نزد پیامبر گرامی اسلام (ص) از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بودند تا حدی که ارادت و احترام ایشان به حضرت خدیجه (س) سبب شده بود که، در زمان حیات به همسر دیگری را اختیار نکرده و بعد از رحلت ایشان، هرگاه از آن بانویاد می‌شد از فراقشان می‌گریستند و از خدمات و فداکاری و ایثار آن حضرت که در پیشرفت اسلام داشتند، یاد می‌کردند.

به جرأت می‌توان گفت: افتخار خدمت خالصانه حضرت خدیجه (س) به اسلام به حدی است، که نصیب هیچ کس نگشته است، زیرا در موقعیت و زمانی به یاری و مدد پیامبر (ص) رسید که ایشان در بدترین شرایط مادی و حمایت‌های معنوی قرار داشت. این موضوع به اندازه‌ای اهمیت دارد که لزوم بررسی و شناخت همه جانبه شخصیت و زندگی آن بانوی نمونه را ضروری می‌نماید بنابر این نویسنده با وجود مشکلات عدیده‌ای که در برخی از زوایای زندگانی حضرت خدیجه (س) وجود دارد و تاکنون هم از سوی نویسندگان به آن پرداخته نشده، به بررسی برخی از نقش‌های سازنده آن حضرت در ابعاد ایمانی، مدیریتی، اقتصادی، اجتماعی، تربیت فرزندان و... داشته اند، پرداخته است. به همین دلیل، بررسی همه جانبه زندگانی حضرت خدیجه (س)، اوصاف، خدمات و نقش سازنده ایشان در گسترش اسلام، از بین بردن برخی از شبهات مطرح شده و دفاع از حریم ایشان، جهت پاسداشت مقام والای آن بانوی مکرمه، وظیفه خطیر هر نویسنده و محقق مسلمانی است.

## منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.

۱. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (۱۴۰۸ق)، **البدایه و النهایه**، تحقیق: علی شیروت، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۲. ابو نعیم، احمد بن عبدالله اصفهانی، (۱۴۱۷ق)، ترجمه: محمد رواس قلجی، بیروت: دار الفکر.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی مازندرانی، (۱۳۹۲)، **مناقب آل ابی طالب**، چاپ اول، ترجمه: حسین صابری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۴. احمد بن یعقوب، (۱۳۷۱)، **تاریخ یعقوبی**، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، چاپ ششم، تهران: نشر علمی فرهنگی.
۵. ابن هشام، ابو محمد عبدالملک حمیری، (۱۳۷۵)، **السیره النبویه**، چاپ پنجم، ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران: انتشارات کتابچی.
۶. ابن اثیر، (۱۴۰۹ق)، **اسد الغابه**، ج ۵، بیروت: دار الفکر.
۷. ابن عساکر، علی بن حسن، (۱۴۱۵ق)، **تاریخ مدینه الدمشق**، ترجمه علی شیری، بیروت: دارالفکر.
۸. بلاذری، احمد بن یحیی، (۱۴۱۷ق)، **انساب الاشراف**، تحقیق: سهیل ریاض زرکلی، بیروت: دارالفکر.
۹. بحرانی، عبدالله بن نورالله، (۱۳۸۷)، **عوامل العلوم و المعارف و الاحوال من الایات و الاخبار الاقوال**، ترجمه محمدباقر موحد ابطحی، قم: نشر مؤسسه امام مهدی (عج).
۱۰. حائری مازندرانی، محمد مهدی، (۱۳۸۵ق)، **شجره طوبی**، النجف الاشرف، مکتبه الحیدریه.
۱۱. حمیری قمی، عبدالله بن جعفر، (۱۴۱۳ق)، **قرب الاسناد**، قم: مؤسسه آل البيت.
۱۲. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، **لغت نامه دهخدا**، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۳. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، (۱۴۱۳ق)، **سیر اعلام النبلاء**، ج ۲، بیروت: مؤسسه الرساله.
۱۴. شیخ صدوق، (۱۴۰۵ق)، **کمال الدین و تمام النعمه**، ترجمه: علی اکبر غفاری، قم: نشر اسلامی.
۱۵. شهیدی، سیدجعفر، (۱۳۸۷ق)، **زندگانی فاطمه زهرا (سلام الله علیها)**، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
۱۶. شوشتری هندی، قاضی نورالله، (۱۴۱۱ق)، **احقاق الحق و ازهاق الباطل**، تعلیقات سیدشهاب الدین مرعشی نجفی، قم: مکتبه آیت الله مرعشی.
۱۷. قرطبی، ابن عبدالبر، یوسف ابن عبدالله، (۱۴۱۲ق)، **الاستیعاب فی معرفه الاصحاب**، ترجمه: علی محمد بجاوی، بیروت: دارالجیبیل.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۸۸ق)، **فروع کافی**، ترجمه: علی اکبر غفاری، چاپ سوم، تهران: دارالکتب اسلامی.



۱۹. محلاتی، ذبیح الله، (۱۴۰۴ق)، ریاحین الشریعه فی احوال النساء الشیعه، تهران: دارالکتب اسلامی.
۲۰. مامقانی، عبدالله ابن محمد حسن، (۱۳۵۲)، تنقیح المقال فی علم الرجال، تهران: نشر جهان.
۲۱. محمدی اشتهاودی، محمد، (۱۳۷۷)، حضرت خدیجه اسطوره ایثار و مقاومت، تهران: انتشارات نبوی.
۲۲. مولوی نیا، محمدجواد، (۱۳۸۹)، تاریخ چهارده معصوم، چاپ پنجم، انتشارات امام عصر (عج).
۲۳. محدث نوری، (۱۴۰۷ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۳، قم: مؤسسه آل البيت.
۲۴. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار، ترجمه: محمدباقر بهبودی، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۲۵. محلاتی، سیدهاشم، (۱۳۸۳)، تاریخ تحلیلی اسلام، ج ۱، چاپ اول، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۶. ملبوبی، محمدباقر، (۱۳۹۷ق)، الوقایع و الحوادث، چاپ اول، قم: انتشارات دارالعلم.
۲۷. مظفری ورسی، (۱۳۸۸)، حیدر، رهیافتی بر زندگانی پیامبر از ولادت تا بعثت، چاپ اول، قم: انتشارات دلیل ما.
۲۸. محدث قمی، عباس، (۱۴۲۹ق)، کحل البصر فی سیره سید البشر، بیروت: مؤسسه البلاغ.